

## عوامل تاثیرگذار بر تصمیم سازی خارجی روسیه

سید رضی عمادی<sup>۱</sup>

وجود متغیرهای گوناگون و تاثیرگذار بر روند تصمیم گیری، باعث گردیده که امکان تعمیم رفتار سیاست خارجی برخی از کشورها امکان پذیر نباشد؛ چرا که هر یک از بازیگران نسبت به یک رویکرد پاسخ‌های کاملاً متفاوتی دارند و در اصل بستگی به ترکیب مختلف عوامل داخلی و خارجی دارد. ولی بهره گیری و الگو برداری متغیرهای مختلف می‌تواند در زمینه مطالعه سیاست خارجی مفید واقع گردد. افراد متعددی نیز در مورد عوامل موثر در تصمیم سازی سیاست خارجی صحبت کردند اما جیمز روزنا<sup>۲</sup> در مدل تصمیم گیری "پیش تئوری"<sup>۳</sup> خود به بررسی متغیرهای تاثیرگذار بر سیاست خارجی پرداخته است که طی آن به چهار سطح منزلتی، ارضی، انسانی و غیر انسانی اشاره دارد و معتقد است که عواملی در درون این چهار سطح قرار دارند که برای اتخاذ تصمیم در عرصه سیاست خارجی مهم هستند. هدف این مقاله بررسی نقش عواملی که روزنا در این تئوری به آنها اشاره می‌کند در سیاست سازی خارجی روسیه امروزی است. به کارگیری پیش تئوری سیاست خارجی ضرورتاً به تعیین یا حتی غیر قابل نفوذ بودن منجر نمی‌شود، بلکه انحصاراً پایه‌هایی را برای تطبیق در آزمایش رفتار خارجی کشورهای مختلف در شرایط گوناگون فراهم می‌آورد، لذا فهرست‌بندی محتویات اصل پیش تئوری می‌تواند در تبیین سیاست خارجی یک کشور موثر باشد. بررسی سیاست خارجی فدراسیون روسیه نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این رو در تحلیل تصمیم‌های سیاست خارجی فدراسیون روسیه از مدل پیش تئوری جیمز روزنا به علت توجه همزمان به دو سطح خرد و کلان بهره گرفته شده است تا هم ساختارهای داخلی دخیل در تصمیم‌گیری‌ها مشخص گردد و هم اینکه تاثیر متغیر نظام بین الملل نیز بر روند تصمیم‌گیری‌ها مشخص شود.

واژگان کلیدی: مدل پیش تئوری، تصمیم سازی، سیاست خارجی روسیه، جیمز روزنا.

<sup>۱</sup>. کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین المللی

<sup>۲</sup>. James Rosenau

<sup>۳</sup>. Pre-Theory Model

## مقدمه

اگر سیاست خارجی را دنباله سیاست داخلی بدانیم پس: "سیاست خارجی هر کشور برآیند روحیه مدیرانی است که سکان این عرصه را در اختیار دارند". بر این اساس می‌توان سیاست خارجی را به دو رویه کاملاً متفاوت تقسیم کرد؛ سیاست خارجی اثرگذار و سیاست خارجی اثرپذیر. " (سعد الله زارعی، ۱۳۸۸) در هر دو رویه سیاست خارجی، متغیرهایی دخیل می‌باشند که در چهار سطح مدل پیش‌تئوری روزنا قرار می‌گیرند. این متغیرها هم می‌توانند سیاست خارجی یک کشور را اثرگذار نمایند و هم اثرپذیر. در سیاست خارجی روسیه نقش این متغیرها به ویژه متغیرهای داخلی به خوبی درک می‌شود و اثر آنها در تصمیم‌سازی سیاست خارجی این کشور نمود عینی دارد. روسیه همانطور که هرگز به عنوان یک دولت قوی مطرح نبود هرگز به عنوان یک دولت ضعیف هم مطرح نمی‌باشد. (Ariel Cohen, 2007) پوتین این مثل را در سخنان خود در می ۲۰۰۲ تعدیل کرد: روسیه هرگز قوی نبود، اما می‌خواست، باشد و هرگز ضعیف نبود هر چند که به نظر می‌رسید، باشد. (Mark N. Katz, 2007)

## مدل پیش‌تئوری جیمز روزنا

جیمز روزنا در طرح پیش‌تئوری خود سعی نموده است که زمینه تبیین سیاست خارجی را فراهم کند. او در مدل "پیش‌تئوری سیاست خارجی" خود سیاست خارجی را در چهار سطح بررسی می‌کند که عبارتند از: ارضی (موقعیت سرزمینی یک کشور)، منزلتی (جایگاه و ایده آن کشور در نظام بین‌الملل)، انسانی و غیر انسانی. (قوام، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵) در این چهار سطح عوامل مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرند که روزنا به پنج مورد مهم به صورت مشخص توجه می‌کند و در درون این پنج مورد نیز به مسایل مختلفی اشاره دارد. او در مدل پیش‌تئوری خود معتقد است که در هر تصمیم‌گیری سیاست خارجی علت رفتار سیاسی یک دولت به مجموعه‌ای از عوامل گوناگون مربوط می‌شود که با اولویتهای متفاوت در کنار هم قرار می‌گیرند و در نهایت به تصمیم‌گیری سیاست خارجی منجر می‌شوند. این مجموعه عوامل به ۵ دسته تقسیم می‌شوند که در این چهار سطح قرار می‌گیرند و عبارتند از: متغیرهای شخصیت تصمیم‌گیرنده، متغیرهای نقش و میزان اختیارات تصمیم‌گیرنده، بوروکراتیک، اجتماع، سیستم بین‌الملل. (Instructor's Review Notes on Rosenau, Idealism and Realism, 2009)

متغیر " شخصیت تصمیم گیرنده " به مسایلی چون خصوصیات، روحیات، افکار و اندیشه‌ها، خصوصیات روانی، نبوغ و توانایی‌های کاریزماتیک و... توجه می‌شود. بر اساس این متغیر تصمیمات اتخاذ شده از سوی یک شخص با تصمیمات شخص دیگر در همان موقعیت به خاطر روحیات و توانایی‌های متفاوت آن شخص متفاوت می باشد. روزنا معتقد است که خصایص فرد تصمیم گیرنده بیشتر در کشورهای توسعه نیافته، تازه استقلال یافته و کوچک مطرح می‌باشد که فاقد نقش‌های سازمان یافته و نمادهایی بوروکراتیک بوده و در کل در جوامعی که رهبران کمتر تحت نفوذ و تاثیر افکار عمومی و گروه‌های ذی نفوذ قرار دارند. البته روزنا این متغیرها را با توجه به نوع سیستم سیاسی حاکم ( باز و بسته بودن سیستم ) متفاوت می‌داند. ( محمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۳)

متغیر " نقش فرد تصمیم گیرنده "، بدین معنا است که مسئولان دولتی بدون توجه به خصوصیت فردی و انحصاری که در متغیر فرد به آنها اشاره شد با تکیه بر سمت و جایگاهی که در حکومت دارند نسبت به موضوعی از خود واکنش نشان می‌دهند. جایگاه فرد در ساختار حکومتی و وظایف، مسئولیت‌ها و وفاداری‌هایی که بر اساس این جایگاه از او انتظار می‌رود بر تصورات فرد از جهان و تصمیم گیری‌های او در عرصه سیاست خارجی تاثیر می‌گذارد. در واقع نقش فرد تصمیم گیرنده به ویژگی‌های رفتاری گفته می‌شود که ناشی از مسئولیت‌های سیاست‌گذاری یک بازیگر است و هر فردی که چنین جایگاهی را پر کند از او نیز رفتار مشابهی انتظار می‌رود. از طرفی می‌توان نقش را تعامل بین فرد و نظام سیاسی و انتظاراتی که نظام مزبور از فرد دارد نامید. هرچند نقش ممکن است حیطه عمل فرد را محدود کند ولی چنین نقشی براساس صفات شخصیتی فرد برداشت و ایفا می‌شود. البته اختیارات شخص تصمیم گیرنده نیز در یک حکومت دمکراتیک با حکومت دیکتاتوری و غیر دمکراتیک متفاوت است. در متغیر " بوروکراتیک " به ساخت و تشکیلات حکومت، وضعیت بوروکراسی و روند تصمیم گیری در یک کشور توجه می‌شود و معمولاً بازی‌ها و رقابت‌های بوروکراتیک میان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف در یک دستگاه اداری در تصمیم گیری‌های مهم سیاست خارجی اثر مستقیم و مهمی به جای می‌گذارد. (همان، ص ۲۴) روزنا معتقد است که نظام بوروکراتیک در یک کشور می‌تواند رهبران یک کشور را جهت تصمیم سازی محدود کند و یا اینکه رهبران را قادر به تصمیم سازی کند که این امر با توجه به وضعیت بوروکراتیک آن کشور متفاوت است. (Instructor's Review Notes on Rosenau, Idealism and Realism, 2009)

در متغیر مربوط به "اجتماع"، ابعاد غیر دولتی، رشد نهادهای مدنی، نظام اقتصادی و مشکلات مربوط به جامعه بررسی می‌شود و در نهایت در بعد نظام بین الملل به تاثیر این نظام و نوع رابطه با بازیگران قدرتمند آن بر تصمیم سازی سیاست خارجی پرداخته می‌شود. متغیرهای فرد، نقش، بوروکراتیک و اجتماع در زمره عوامل داخلی تاثیر گذار بر تصمیم سازی سیاست خارجی هستند. (جیمز باربر، مایکل اسمیت، ۱۳۷۴، ص ۳۸)

### عوامل موثر بر تصمیم سازی سیاست خارجی روسیه در چارچوب مدل پیش تئوری الف: سطح ارضی؛ موقعیت سرزمینی کشور روسیه

وسعت یک کشور یکی از عوامل تاثیر گذار در روابط بین الملل است؛ به ویژه در مورد روسیه که بزرگترین کشور در میان همه کشورهای جهان است. این کشور با بیش از ۱۷ میلیون کیلومتر مربع وسعت، حدود ۱۱.۵ درصد خشکی‌های کره زمین را در خود جای داده است. (موقعیت کنونی روسیه، مرکز توسعه تجارت کیش) مساحت کشور روسیه ۱/۸ برابر کشور ایالات متحده آمریکا است. میان وسعت یک کشور و ساختار اقتدار سیاسی آن ارتباط وجود دارد. دولت‌های مستبدتر تمایل به گسترش سرزمین دارند چون گسترش سرزمین این امکان را برای آنها به وجود می‌آورد تا مستبدانه‌تر حکومت کنند. (Irina Busygoina, 2008) اگر یکی از نقش‌های دولت فراهم کردن کالاهای عمومی برای جمعیت آن کشور در نظر گرفته شود، وسعت و جمعیت آن کشور تاثیر بسزایی بر ایفای این نقش دارد. در مورد دولت روسیه وسعت سرزمینی یکی از مهمترین فاکتورهای است که مستقیماً با ساختار اقتدار سیاسی این کشور در ارتباط است و یکی از عناصر اصلی تاثیر گذار بر تصمیم سازی سیاست خارجی این کشور است. موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک روسیه در کنار ترکیب متنوع قومی، نژادی و مذهبی در این کشور موجب شده است تا نگرش امنیتی، نقش تعیین کننده‌ای در سیاست خارجی روسیه داشته باشد. در حقیقت، احساس ناامنی و آسیب پذیری سرزمینی سبب شده است تا این کشور عقربه سیاست خارجی خود را نه بر پایه رقابت با آمریکا و یا منافع اقتصادی بلکه بر اساس احساس نگرانی و هراس از تهدیدات محیطی و مشرف بر تمامیت سرزمینی خود تنظیم نماید. موقعیت سرزمینی روسیه در تعامل این کشور با نظام بین الملل امروزی نقش بسزایی ایفا می‌کند زیرا روسیه نمی‌تواند نگرانی‌های امنیتی خود به ویژه در مرزهای جنوبی خود را نادیده بگیرد.

ب : عامل منزلتی: موقعیت و جایگاه روسیه در ساختار نظام جهانی

موقعیت و جایگاه هر کشور و به عبارتی میزان منزلت هر کشور در نظام جهانی در تصمیم سازی سیاست خارجی آن کشور تاثیر بسزایی دارد. منزلت یک کشور شامل ارزش‌هایی می‌شود که مورد مذاکره و مبادله قرار نمی‌گیرند و کشورها حاضرند برای حفظ این ارزش‌ها حتی به جنگ هم متوسل شوند. ( سیف زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۸۸ ) توانمندی‌ها و ایدئولوژی روسیه، دولتمردان و افکار عمومی این کشور را متقاعد می‌کند که کشورشان هنوز یک قدرت بزرگ است؛ اگرچه برخی از ضعف‌های این کشور عامل محدودیت این قدرت است. پوتین در آوریل ۲۰۰۵ فروپاشی اتحاد شوروی را بزرگترین فاجعه ژئوپلیتیکی قرن بیستم خواند. ( Alexander Motyl, 2006 )

۱. جایگاه اقتصادی روسیه

در دهه ۹۰ و در زمان یلتسین اقتصاد روسیه با مشکلات عدیده‌ای روبرو بود که به این کشور اجازه فعال بودن و همچنین ایفای نقشی مهم و سازنده را در نظام بین الملل نمی‌داد؛ به عبارتی سیاست‌های اقتصادی یلتسین نه تنها هیچ تغییر مثبتی در جایگاه بین المللی کشور ایجاد نکرد بلکه حتی اوضاع را دشوارتر نیز نمود. پوتین با درکی صحیح از این ضعف و تاثیر مستقیم آن بر جایگاه روسیه در عرصه جهانی، مهمترین هدف دولت خود را نوسازی اقتصادی و مهمترین اولویت سیاست خارجی را تقویت اقتصاد روسیه اعلام کرد. وی در جولای ۲۰۰۰ در سخنرانی خود اظهار داشت: "مادامی که اقتصاد روسیه ضعیف باشد به یک قدرت بزرگ تبدیل نخواهد شد و این واقعیتی است که با ملاحظه فروپاشی شوروی به خوبی قابل درک است". ( نوری، ۱۳۸۷ ) در سند امنیت ملی روسیه نیز بحران و ضعف اقتصادی یکی از عوامل اصلی تهدید امنیت ملی این کشور عنوان گردیده و در سند مفهوم سیاست خارجی نیز بر این موضوع تاکید شده که روسیه به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی سرمایه‌داری مدرن است به نحوی که در نظام اقتصاد بین‌الملل یکی از قطب‌های نظام سرمایه‌داری جهانی باشد. ( The Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 2000 )

شاخص اقتصادی در دوران پوتین روندی مثبت و صعودی داشت به نحوی که رشد اقتصادی روسیه طی این دوره به طور متوسط ۶/۴ درصد بود. بدهی‌های خارجی در سال ۲۰۰۵ به کمترین میزان خود پس از فروپاشی شوروی (کمتر از ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی) رسید و در سال‌های بعد نیز دولت توانست بدهی‌های خارجی خود را در موعد مقرر

پرداخت کند. (نوری، ۱۳۸۷) همچنین طی این دوره سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در اقتصاد روسیه روندی رو به رشد داشت به نحوی که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۷ به ۴۷/۱ میلیارد دلار و در ۲۰۰۸ به ۵۸/۷ میلیارد دلار یعنی معادل ۴/۱ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. (Background Note: Russia, 2009) توجه به پشتوانه‌سازی برای اقتصاد به طور جدی مورد توجه قرار گرفت به نحوی که ژانویه ۲۰۰۶ بانک مرکزی روسیه میزان ذخایر ارزی این کشور را ۱۸۵ میلیارد دلار اعلام کرد. (Russian Government Recap, 2006)

به طور کلی پیشرفت اقتصاد روسیه در ۸ سال ابتدایی دهه اخیر به ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین تحت تاثیر رشد فزاینده قیمت نفت بود. این امر سبب گردید، تولید ناخالص داخلی این کشور به ۷۰ درصد، رشد صنعتی به ۷۵ درصد و رشد سرمایه‌گذاری در روسیه به ۱۲۵ درصد برسد و بار دیگر این کشور جایگاه خود را در نظام بین‌الملل بدست آورد و در میان ۱۰ قدرت برتر اقتصادی جای گیرد. (Russia's Economy under Putin: Achievements and Failures, 2008)

از طرفی، اگرچه تاثیر بحران مالی اخیر بر اقتصاد روسیه زیاد بود، اما این کشور همچنان در مسیر رشد اقتصادی قرار دارد. مدودف در اکتبر ۲۰۰۹ اعلام کرد که تاثیر بحران مالی بر اقتصاد روسیه بیشتر از آن چیزی خواهد بود که پیش بینی شده بود، اما این امر یک فاجعه برای اقتصاد نیست. وی به قول‌های ابتدایی خود مبنی بر متنوع کردن اقتصاد اشاره کرد و اعلام کرد که در ۱۵ سال آینده ۴۰ تا ۴۵ درصد درآمد این کشور از بخش‌های غیر از انرژی تامین خواهد شد. (Russian president: Economy sank more than forecast, 2009)

برنامه ۲۰۲۰ روسیه نیز حاوی نکات بسیاری در زمینه اقتصاد است که مهمترین نکته این برنامه این می‌باشد که روسیه تا سال ۲۰۲۰ پنجمین اقتصاد برتر جهان را دارا شود.<sup>۱</sup> به طور کلی می‌توان گفت که به‌رغم رشد و بهبود اوضاع اقتصادی سال‌های اخیر روسیه، امروز سهم این کشور در اقتصاد جهانی ناچیز است، اما همانطور که آمار و ارقام نشان می‌دهند این کشور در مسیر پیشرفت اقتصادی قرار دارد و این بهبود اوضاع اقتصادی هم قدرت چانه زنی

۱- برای اطلاعات بیشتر در مورد برنامه ۲۰۲۰ ر.ک. به: ابوزه محمد (۱۳۸۶)، پیش بینی در خصوص توسعه اقتصادی روسیه تا سال ۲۰۲۰

این کشور در عرصه نظام بین الملل را افزایش داده است و هم اینکه جایگاه آن را در نظام بین الملل نسبت به دهه ۱۹۹۰ زمان یلتسین بسیار بهبود بخشیده است؛ به نحوی که در اجلاس اقتصادی سنت پترزبورگ در ژوئن ۲۰۰۷ پوتین ناگهان خواستار اصلاح ساختار اقتصاد جهانی که شامل سازمان تجارت جهانی می شود، شد. (کوهن آریل، ۱۳۸۷)

## ۲. جایگاه سیاسی روسیه

دهه ۹۰، دهه تنزل موقعیت سیاسی روسیه در عرصه های منطقه ای و بین الملل نیز بود. روسیه به رغم حفظ عضویت خود در شورای امنیت سازمان ملل در بسیاری از موضوعات و مسائل بین المللی یا موضع انفعالی داشت و یا اینکه موضع گیری های آن (به عنوان مثال در جنگ یوگسلاوی) به واسطه ضعف قدرت آن نوعی معامله با طرف مقابل بود. اما در دوره ریاست جمهوری پوتین، روسیه تلاش های زیادی برای ارتقاء منزلت سیاسی خود در عرصه بین الملل از طریق مشارکت گسترده در نهادهای منطقه ای و بین المللی، پی گیری دیپلماسی فعال در عرصه خارجی و تأکید بر نقش و موقعیت خود به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت انجام داد. در این راستا سیاستمداران کرملین صیانت از حاکمیت و تأکید بر دیدگاه های مستقل روسیه در تحولات بین المللی را به عنوان عنصری مهم در حفظ و ارتقاء موقعیت سیاسی این کشور مد نظر قرار دادند. پیام خارجی این سیاست این بود که روسیه مجموعه ای از ارزش های خاص خود را دارد و بر اساس آن رفتار و اقدام خواهد کرد. در همین راستا، در سندی که در آوریل ۲۰۰۷ از سوی وزارت خارجه روسیه در خصوص اصول سیاست خارجی این کشور منتشر شد، تأکید گردید که "سیستم تک قطبی به رهبری آمریکا با ملاحظه بحران عراق در وضعیت افول قرار گرفته و به تدریج ساختار چندقطبی در حال جایگزینی آن است. روسیه تلاش می کند با پی گیری راهبرد «انزوآگرایی سازنده»<sup>۱</sup> و تلاش برای تثبیت یک سیستم بین المللی متکثر که در آن قدرت های نوظهور از جمله روسیه انحصار غرب بر فرآیندهای جهانی شدن را به چالش می کشند، موقعیت سیاسی خود در عرصه بین الملل را باز یابد و یکی از پایه های اصلی نظام مدیریت جمعی جهانی باشد".<sup>۲</sup> در واقع، روسیه طی این دوره معتقد به «وابستگی متقابل مبتنی بر چندجانبه گرایی»<sup>۲</sup> در

۱. Constructive Isolationism

۲. Interdependence Based on Multilateralism

فضایی از همکاری‌ها و وابستگی‌های متقابل دولت-ملت‌ها بود. اقداماتی چون، اعمال تاثیر بر روندهای سیاسی موجود در حوزه خارج نزدیک<sup>۱</sup>، نقش‌آفرینی فعال در پرونده هسته‌ای کره شمالی، پی‌گیری دیپلماسی فعال در موضوع استقلال کوزوو، رویکرد جدید آن به خاورمیانه نمونه‌هایی از تلاش این کشور برای بازیابی نفوذ سیاسی خود در حوزه‌های منطقه‌ای و عرصه بین‌الملل است. (Sabine F. Ischer, 2007)

تمامی مطالب گفته شده نشان می‌دهد، فدراسیون روسیه در پی احیای جایگاه خود در عرصه بین‌المللی است و تلاش می‌کند با برقراری ارتباط با کشورهای بزرگ و تاثیر گذار، جهان را از حالت تک قطبی خارج کند و جایگاه خود را در تصمیم سازی در عرصه نظام بین‌الملل بهبود بخشد. اکنون جایگاه و اهمیت روسیه در جهان افزایش یافته است. عقب‌نشینی غرب در برابر روسیه در زمینه مخالفت با عضویت گرجستان و اوکراین در ناتو و همچنین افزایش تردیدها نسبت به استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی به همراه افزایش قدرت نظامی روسیه همگی نشانگر احیای قدرت روسیه در سطح بین‌المللی می‌باشند.

### ۳: ایدئولوژی روسی

ایدئولوژی یکی از مهمترین موضوعاتی است که در طول تاریخ معاصر روسیه همواره در سیاست خارجی این کشور تاثیر بسیاری داشته است. امروز ایدئولوژی در سیاست سازی خارجی این کشور به نوعی یک مانع داخلی محسوب می‌شود زیرا که نوعی بحران هویت برای این کشور به وجود آورده است. موضوعات ایدئولوژیکی را می‌توان، شامل وطن پرستی و بیگانه ستیزی، بحران‌های هویت ملی و رادیکال سازی مسلمین روسیه دانست.

**وطن پرستی و بیگانه ستیزی:** کرملین در حال تلاش است که جوانان روسی را با دولت‌گرایی، وطن پرستی و ایده‌های مذهبی طی یک برنامه آموزشی در مدارس مانوس سازد. احزاب مورد حمایت کرملین واحدهای جوانان را ایجاد کردند که تا حدی یاد آور اتحاد کمونیستی جوانان شاخه جوانان حزب کمونیست اتحاد شوروی می‌باشد. در سال ۲۰۰۵، کرملین از تشکیل جنبش جوانان ما که جمعیت محلی را برای برخورد علیه

<sup>۲</sup>. به جمهوری های سابق اتحاد جماهیر شوروی خارج نزدیک گفته می شود.



معترضین آماده می‌کرد، حمایت نمود. تحت حمایت پوتین متون کتاب‌های تاریخی دبیرستان بازمینی و از نو نوشته شد. (Mark H. Teeter, 2007) روبرتز در گزارشی عنوان کرد که اکثر مردم روسیه همانند پوتین فروپاشی شوروی را یک تراژدی می‌دانند و آمریکا را به عنوان یک رقیب و دشمن قلمداد می‌کنند. (Reuters, 2007) نژاد گرایی و افراط گرایی که در گذشته بوسیله حاکمین شوروی سرکوب می‌گردیدند، مجدداً در روسیه امروزی ظهور یافته‌اند و در حال رشد می‌باشند. تبعیض اجتماعی و حکومتی و آزار و اذیت اقلیت‌های نژادی به ویژه علیه مردم قفقاز و آسیای مرکزی در روسیه به وفور دیده می‌شود. در آگوست ۲۰۰۷، ۵۵ درصد جمعیت این کشور از شعار روسیه برای روس‌ها<sup>۱</sup> حمایت کردند در حالی که ۵۷ درصد معتقد بودند اقتدار گرایان روسی باید هجوم مهاجران به این کشور را محدود کنند. (Ariel Cohen, 2007)

### بحران‌های هویت ملی

فدراسیون روسیه از بدو تکوین، خود را با مشکلات قومی مواجه دید که از اتحاد شوروی به آن به ارث رسیده بود. سیاست‌های ملیتی نادرست نظام کمونیستی که همواره "سیاست روسی سازی" را دنبال می‌کرد (Reuters, 2007) در نهایت به ایجاد بحران‌های قومی انجامید که در کنار دیگر بحران‌های سیستمی موجبات فروپاشی آن و جدایی جمهوری‌های متحد قومی را فراهم آورد. سیاست‌های ملیتی فدراسیون روسیه به تعریفی بستگی دارد که سیاستگذاران روسی از ملت روس ارائه می‌دهند. این تعریف می‌تواند بسیار محدود و انحصاری باشد به طوری که بسیاری از اقوام را از دایره ملت روس خارج کند و می‌تواند جامع و فراگیر باشد به صورتی که همه اقوام را زیر پوشش واحد ملت روس گردهم آورد. تعریف اول طبیعتاً به اتخاذ سیاست‌های نژادپرستانه می‌انجامد و ضمن دامن زدن به تضادها و شکاف‌های قومی از ایجاد یک هویت ملی فراگیر باز می‌ماند. برعکس، تعریف دوم با تاکید بر تاریخ، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مشترک می‌تواند احساس تعلق خاطر مشترکی را به سرزمین در میان همه گروه‌های قومی به وجود آورد و یک هویت ملی فراگیر ایجاد کند. هویت متکی به ایدئولوژی روسیه پس از فروپاشی شوروی دچار یک بحران هویتی گردید تا جایی که گریگوری گوروف<sup>۲</sup> اشاره می‌کند که در سال ۱۹۹۱ ورزشکاران روس

<sup>۱</sup>. Russia for Russians

<sup>۲</sup>. Gregory Guroff

رقابت کننده در المپیک بارسلون سرودی ملی نداشتند که در زمان حضور آنها بر سکوی قهرمانی نواخته شود. (Guroff, 1994, p.89) در قانون شهروندی روسیه در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۱ همه مردم فدراسیون روسیه شهروندان برابر دانسته شده‌اند، اما از سال ۱۹۹۳ به بعد که به تدریج ملی‌گرایان و کمونیست‌ها قدرت یافتند به روس زبان‌های خارج نزدیک توجه بیشتری شد. در واقع پیروزی ملی‌گراها، براساس ایده هویت متحد و تشکیل امپراتوری بود. آنها بر اساس این نوع تفکر و به رهبری ژیرینوفسکی<sup>۱</sup> در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۳ پیروز شدند و با فشار زیادی که بر سیاستگذاران دولت یلتسین وارد آوردند باعث شدند که در سیاست خارجی دولت یلتسین تغییر اساسی به وجود آید. ملی‌گرایان خواهان توجه بیشتر دولت روسیه به وضعیت روسهای مقیم خارج نزدیک بودند و ایده تشکیل امپراتوری را در سر می‌پروراندند. تا قبل از پیروزی ملی‌گرایان در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۳ نگرش حاکم بر سیاست خارجی روسیه این بود که روسیه به عنوان یک کشور اروپایی معرفی شده بود. بنابراین دولتمردان این کشور در این زمان به غرب و آمریکا به عنوان یک دشمن نمی‌نگریستند و معتقد بودند که روسیه دشمن ندارد. لذا سیاست غرب هم در قبال روسیه سیاست مثبتی بود، اما از آنجا که نگرش حاکم بر عرصه سیاست خارجی روسیه پس از انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۳ نسبت به غرب تغییر کرد، رابطه این کشور با غرب نیز دچار تحولات اساسی شد. در سال ۱۹۹۶ بوریس یلتسین کمیسیون را مأمور گردآوری پیشنهادات در مورد ایده ملی جدید روسیه کرد. این مساله از این واقعیت اساسی حکایت داشت که روسیه ایده ملی ندارد. در ژوئن ۱۹۹۶ ایده ملی روسیه بر اساس مدل اوراسیایی (هویت متحد)<sup>۲</sup> در مفهوم جدید سیاست ملیت‌های دولت به وسیله یلتسین تصویب شد. (Aslund, 1991, p.65) به طور کلی آنچه که در مورد هویت ملی روس‌ها می‌توان گفت این است که روسیه تا دستیابی به یک هویت ملی منسجم فاصله زیادی دارد. به دلیل همین ابهام هویتی است که اصولاً بسیاری از دولت‌ها به سیاست خارجی این کشور به مثابه یک سیاست مبهم تهدیدکننده می‌نگرند. این مقوله را «دونالدسون» تحلیلگر

<sup>۱</sup> . Vladimir Zhirinovskiy

<sup>۲</sup> . خانم دکتر کولایی پنج مدل هویتی را در مورد ملت روس مطرح می‌کند که عبارتند از: هویت متحد، هویت اسلاوی، هویت زبانی، هویت خونی و هویت مدنی برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: الهه کولایی و دیگران (۱۳۸۱)، بررسی زمینه‌های نظری و تاریخی همگرایی و واگرایی در فدراسیون روسیه، انتشارات وزارت امور خارجه.

سیاست خارجی روسیه به تعبیر «ترکیبی از گم کردن مأموریت ملی، غرور جریحه دار شده و یک هویت ملی آشفته» مطرح می‌کند که ضرورت تعریف اهداف ملی را در سیاست خارجی آن کشور جدی‌تر کرده است. (آرمین امینی، ۱۳۸۸) آنچه که در روسیه جدید طی سال‌های اخیر مطرح شده، نشان می‌دهد که برای این کشور هنوز مساله هویت ملی یک مشکل اساسی است و در تصمیم سازی سیاست خارجی این کشور نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

### رادیکال سازی مسلمین روسیه

در دوره شوروی، اسلام به سختی سرکوب شده و شالوده آن تقریباً نابود شده بود. اسلام بیشتر به صورت نشانه‌ای از هویت فرهنگی و قومی و نه یک اعتقاد معنوی فعال برای اغلب مردم آسیای مرکزی جلوه‌گر گردید. در این دوره، وفاداری به دین عمدتاً در برپایی مراسم مذهبی مرتبط با آیین‌های درگذشت، ختنه نمودن مردان، ازدواج و تدفین تجلی می‌یافت. (عمادی، ۱۳۸۷) فدراسیون روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همچون دیگر جمهوری‌های استقلال یافته در راه بازپایی هویت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و به ویژه دینی و مذهبی خود قرار دارد. مسلمانان پس از جدایی جمهوری‌های مسلمان از پیکره شوروی سابق نیز اقلیت عمده‌ای را در فدراسیون روسیه تشکیل می‌دهند. در صورت تداوم روندهای جمعیتی، ممکن است بر اهمیت عامل اسلامی افزوده شود. اسلام در دوره پس از شوروی از توسعه کمی و کیفی برخوردار گردیده و مسلمانان آزادی‌های مذهبی بیشتری نسبت به گذشته بدست آورده اند. دین اسلام به عنوان دینی با قدمت و نیز مسلمانان روسیه با جمعیتی قابل توجه - نزدیک به بیست میلیون نفر - منظره را پیش روی همگان قرار داده که در آن همه قشرهای مردم روسیه اعم از مقامات، دانشمندان و مردم به اسلام به عنوان یک عامل تعیین کننده در آتیه و سرنوشت روسیه بنگرند. در حوزه سیاست خارجی، روسیه در دوران پوتین نسبت به جهان اسلام توجه خود را افزایش داد. پوتین بسیار هوشمندانه به این نتیجه رسید که اسلام نیرویی تأثیرگذار در آینده دنیا خواهد بود و هر حکومتی در روسیه بدون تعیین نسبت خود با مسلمانان امکان ادامه حکومت را ندارد. پوتین می‌خواهد موضوع اسلام در روسیه را از یک تهدید به یک فرصت تبدیل کند. (صناعی، ۱۳۸۹)

تنوع مسلمین روسیه برای کرملین هم یک چالش و هم یک فرصت در عرصه سیاستگذاری خارجی ایجاد می‌کند. از این جهت فرصت است که در ایجاد رابطه با بسیاری

از کشورهای جهان اسلام به ویژه کشورهای حوزه خاورمیانه و همچنین دفع بنیاد گرایی اسلامی موثر است و از این جهت یک چالش است که هم جمعیت جامعه مسلمان در حال افزایش است و هم اینکه این جمعیت مسلمان در اتخاذ نوع جهت گیری سیاست خارجی خواسته‌های مهمی دارند که دولت روسیه باید به آنها توجه کند.

### ج : عامل انسانی

عامل انسانی در عرصه تصمیم سازی سیاست خارجی را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: متغیر شخصیت تصمیم گیرنده و متغیر نقش و میزان اختیارات شخص تصمیم گیرنده.

#### ۱. متغیر شخصیت تصمیم گیرنده

اصول سیاست خارجی در بسیاری از کشورها با روی کار آمدن افراد مختلف در نتیجه انتخابات و تغییر وزرا و مدیران تغییر می‌کنند. در روسیه با روی کار آمدن پریماکف به جای کوزیرف در سمت وزیر امور خارجه جهت گیری سیاست خارجی این کشور تغییر کرد همانطور که با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ جهت گیری سیاست خارجی روسیه نسبت به دوران یلتسین تغییر یافت. ویژگی‌های شخصیتی پوتین از او رهبری مقتدر و با ثبات و همچنین واقع گرا و آگاه ساخته است که در زمان ریاست جمهوری وی عرصه سیاست خارجی نیز تحت تاثیر ویژگی‌های شخصیتی او قرار داشت. ویژگی‌های سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین را می‌توان در چهار محور مورد بررسی قرار داد: ۱- استقلال، ۲- عمل گرایی، ۳- اعتماد به نفس و ۴- مخالفت با هژمونی آمریکا. (صناعی، ۱۳۸۹) همه این چهار محور بر اساس تفکرات شخصی و ویژگی‌های درونی شخص پوتین اتخاذ شدند. پوتین انسان عمل گرایی است که در سیاست خارجی روسیه نه بر اساس دوستی و دشمنی بلکه بر اساس رقابت رفتار کرد. او نگرش استراتژیک روسیه نسبت به جهان خارج به ویژه نسبت به غرب را تغییر داد. در زمان مدودف نیز تاثیر متغیر شخصیت در سیاست خارجی دیده می‌شود. مدودف به همراه نخست وزیر خود، ولادیمیر پوتین از ابزارهایی که در اختیار دارند به خوبی استفاده می‌کنند و با دیدی واقع گرایانه در حال بازی با مهره‌هایی هستند که در اختیار دارند. در واقع در تعیین اولویت برای متغیرهای مطرح شده در سیاست خارجی

توسط روزنا می توان متغیر شخصیت را در اولویت اول تصمیم سازی سیاست خارجی روسیه قرار داد.

## ۲. متغیر نقش و میزان اختیارات شخص تصمیم گیرنده

در این مورد می توان گفت بنابر قانون اساسی روسیه قوه مجریه از دو بخش رئیس جمهوری و نخست وزیری تشکیل می شود. رئیس جمهور پایه و اساس سیاست خارجی و داخلی را تعریف و مشخص می کند. (سیاست خارجی روسیه در دوره مدودف، ۱۳۸۷) در روسیه حق انتخاب بالاترین مقامات رسمی با رئیس جمهور است. عوامل اجرایی در واقع مجریان تصمیمات رئیس جمهور هستند. دولت در عرصه سیاست خارجی تنها اجرا کننده سیاست تعیین شده از طرف رئیس جمهور است. (تصمیم سازی در سیاست خارجی روسیه) ساختار این کشور ساختار دمکراتیک نیست بلکه به نوعی دمکراسی هدایت شده است که تحت هدایت شخص رئیس جمهور می باشد. رئیس جمهور رئیس نیروهای امنیتی و شورای امنیت نیز هست. در واقع اصول و اهداف در عرصه سیاست خارجی روسیه توسط شخص رئیس جمهور و بر اساس ایده ها و نقش او تعیین می شود و سایر عوامل که تحت تاثیر تفکرات رئیس جمهور قرار دارند عوامل اجرایی تصمیمات هستند.

## د: عوامل غیر انسانی

عوامل غیر انسانی بر اساس دیدگاه روزنا را می توان شامل سه متغیر اجتماع، بوروکراتیک و نظام بین الملل دانست.

### ۱. متغیر اجتماع

متغیر اجتماع در مورد روسیه شامل مقوله هایی همچون وضعیت اقتصادی و مسایل و مشکلات جمعیتی است که در زمره موانع داخلی تاثیر گذار بر تصمیم سازی سیاست خارجی قرار دارند.

الف) مسایل اقتصادی: در دوران یلتسین به دلیل بحران های اقتصادی، روسیه با مشکلات فراوانی دست به گریبان بود. یکی از علل اساسی اتخاذ سیاست همسویی با غرب

توسط دولت یلتسین اقتصاد نابسامان این کشور بود. از سال ۲۰۰۰ که درآمدهای نفت و گاز افزایش یافت، توان روسیه برای ایفای نقش بین‌المللی افزایش پیدا کرد. به نظر می‌رسد اقتصاد روسیه بر پایه رشد درآمد نفت و گاز در حال رشد می‌باشد و تغییر و تحول در قیمت انرژی در رشد یا پسرفت اقتصادی این کشور تأثیر چشمگیری دارد. از سوی دیگر مشکل دیگر اقتصاد روسیه دولتی بودن آن است و کرملین کنترل دولت بر اقتصاد را نیز افزایش داده است. بانک اروپایی نوسازی و توسعه گزارش کرد، سهم دولت روسیه از شرکت‌های معتبر اصلی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ چهار برابر گردید و سهم دولت از گازپروم از ۳۸ درصد به ۵۱ درصد افزایش یافت. (Nick Paton Walsh, 2005) گازپروم کنترل منابع نفتی و گازی را برعهده دارد. کرملین در حال افزایش سهم خود از هوا- فضا، تولید تسلیحات، صنعت هسته‌ای، کشتی‌سازی، کشتی‌رانی و بخش اتومبیل است. بخش صنعتی - نظامی و بخش هسته‌ای نیز تحت کنترل و تسلط دولت هستند. کرملین در تلاش است تا امتیازات دولتی را در برخی صنایع داخلی تثبیت کند.

اگرچه سرمایه‌گذاری خارجی در روسیه در سال ۲۰۰۶ حدود ۱۵۰ میلیارد دلار بوده و در هفت ماه اول سال ۲۰۰۷ حدود ۷۰ میلیارد دلار بود، اما کارشناسان معتقدند که این آمار برای کشوری که دارای زیرساخت‌های کلان و قدیمی و رشد اقتصادی سالانه ۶/۷ درصد است نسبتاً پایین می‌باشد. (American Chamber of Commerce in Russia, 2007) برای اینکه روسیه دارای رشد اقتصادی بالایی باشد و وضعیت خود را در جهان بهبود بخشد نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی خیلی بیشتری است. همانطور که یکی از مهمترین دلایل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اقتصاد ضعیف آن بوده است، امروز نیز مساله اقتصاد نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی روسیه دارد زیرا اقتصاد ضعیف این کشور قدرت مانور آن را در عرصه سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل کاهش داده است و مانع از اتخاذ سیاست قدرتمندانه توسط این کشور می‌شود. اقتصاد ضعیف روسیه در جهت‌گیری تصمیم‌سازی خارجی این کشور و همچنین بر جایگاه آن در نظام بین‌الملل به ویژه در دوره اول ریاست جمهوری پوتین نقش بسزایی ایفا کرد.

ب) فاجعه جمعیتی در روسیه: یکی دیگر از مسایل مربوط به جامعه روسیه مقوله جمعیت و مشکلات مربوط به آن است. در روسیه این عامل به سوی ایجاد نوعی فاجعه پیش

می‌رود و به یکی از مهمترین موانع داخلی تاثیر گذار بر سیاست خارجی تبدیل شده است زیرا رویای قدرت بزرگ دولتمردان روسی نمی‌تواند بدون داشتن منابع انسانی ماهر، پیشرفته و فراوان تحقق یابد. از دهه ۱۹۸۰ این کشور کاهش کمی در میزان جمعیت، تسهیلات و متوسط عمر زندگی داشته است در حالی که میزان مرگ و میر و بیماری در روسیه افزایش داشته است. از سال ۱۹۹۵ تا اواسط سال ۲۰۰۷ جمعیت کل این کشور حدود ۶/۵ میلیون نفر کاهش یافت (The 2007 World Population Data Sheet, 2007) و در ژانویه ۲۰۰۹ جمعیت این کشور به ۱۴۱/۹ میلیون نفر رسید. (Background Note: Russia, 2009) روسیه نهمین جمعیت بزرگ جهان را در اختیار دارد، اما پیش بینی می‌شود که جمعیت آن تا سال ۲۰۲۵ به ۱۲۸/۵ میلیون نفر و تا سال ۲۰۵۰ به ۱۰۹/۴ میلیون نفر برسد. (The 2007 World Population Data Sheet, 2007) به دلیل پائین بودن میزان تولد و بالا بودن میزان مرگ و میر روسیه هر سال در حال از دست دادن میانگین ۷۰۰۰۰۰ هزار نفر از جمعیت خود است. در قیاس با دیگر کشورهای صنعتی میزان تولد در روسیه پائین است و میزان مرگ و میر به ویژه در میان جامعه کارگری مردان شگفت انگیز می‌باشد. متوسط عمر مردان روسی ۵۹ سال است که ۵ سال پائین‌تر از میانگین ۴۰ سال پیش می‌باشد و ۱۳ سال پائین‌تر از متوسط عمر زنان روسی می‌باشد که یکی از بزرگترین شکاف‌های سنی در جهان است. (Ariel Cohen, 2007) مشکلات مربوط به جمعیت را می‌توان در چند مقوله مورد بررسی قرار داد که عبارتند از: بالا رفتن سن ازدواج، شیوع کشنده بیماری‌های مرگ آور، مسایل نژادی، تاثیرات کاهش جمعیت.

## ۲. متغیر بوروکراتیک

در متغیر بوروکراتیک، ساختار حکومت مورد بررسی قرار می‌گیرد. سازمان بوروکراتیک می‌تواند رهبران را جهت تصمیم سازی محدود کند و یا اینکه آنها را قادر به تصمیم سازی نماید. در مورد روسیه، ساختار حکومت نوعی ساختار بسته است که اجازه فعالیت به مخالفین و منتقدین را نمی‌دهد. کارشناسان معتقدند کرملین به عمد افراط گرایی را تسهیل می‌کند برای اینکه یک دشمن در درون به وجود آورد. در عوض فعالان رادیکال تمایل دولت برای داشتن یک روسیه قوی را به عنوان مجوز حیاتی برای حمله می‌دانند. مقررات ضد افراط گرایی به صورت گزینشی به کار می‌روند و منتقدان از این

موضوع می‌هراسند که این مقررات برای آزار رساندن مخالفین سیاسی و گروه‌های جامعه مدنی مخالف استفاده شود. در قانون مجازات عمومی، افراط‌گرایی به شکل مبهمی تعریف شده است و حتی شامل تهمت زدن به یک مقام حکومتی در اجرای وظایفش نیز می‌باشد. اصلاحیه سال ۲۰۰۶ قانون انتخابات هم در تداوم افراط‌گرایی کمک کرد به طوری که می‌توان از آن به صورت ناهق در رد صلاحیت کردن رقبای کرملین استفاده کرد. (Irina Busygoina, 2008) به طور کلی تمرکزگرایی در روسیه را می‌توان در سه قسمت بررسی کرد که عبارتند از: دموکراسی مدیریت شده، فشار به رسانه‌ها و نهادهای مدنی، رشد بوروکراسی و دخالت دولت.

**الف) دموکراسی مدیریت شده:** روسیه روش و تجملات دموکراسی را حفظ کرده است، اما در ماهیت از توسعه رژیم دموکراتیک جلوگیری می‌کند. قوه مجریه با مهارت هر چه بیشتر فعالیت سیاسی را با کنترل شدید رسانه‌های جمعی، مخالفین سیاسی و جامعه مدنی اداره می‌کند. رقابت بوروکراتیک و رقابت میان الیگارش‌ها جایگزین آزادی سیاسی شده است به عبارت دیگر آزادی سیاسی در این کشور اندک می‌باشد. نهادهای ضعیف‌تر مشروعیت مستقلی ندارند و برای بدست آوردن ثبات نهادی خویش ناکام هستند. در ضمیمه اطلاعات اقتصادی واحدهای دموکراسی، در میان ۱۶۷ کشور روسیه رتبه ۱۰۳ را کسب کرد. (Laza Kekic, 2007) با رهبری پوتین حزب روسیه واحد در قدرت باقی ماند، اما اصول انتخابات آزاد در این کشور رعایت نشد. در یک انتخابات دموکراتیک مقررات انتخاباتی واضح هستند، اما پیامدهای آن مشخص نیست در حالی که در روسیه خلاف این امر حاکم است یعنی پیامدها مشخص و مقررات انتخاباتی نامشخص می‌باشند. قدرت در این کشور قدرت متمرکز است و از وجود رسانه‌های آزاد و نهادهای جامعه مدنی جلوگیری می‌کند.

**ب) فشار به رسانه‌ها و نهادهای مدنی:** دولت روسیه از رسانه‌ها به عنوان ابزاری جهت شکل‌دهی به افکار عمومی استفاده می‌کند. از ۲۰۰۳ به بعد دولت همه شبکه‌های تلویزیونی را یا از طریق مستقیم و یا از طریق نهادهای دولتی کنترل کرده است. در سال ۲۰۰۹ حدود ۲۹ میلیون روسی یعنی معادل ۲۵ درصد جمعیت به اینترنت دسترسی داشتند و آنرا جایگزین اصلی برای اطلاعات خود و آگاهی از افکار مخالفین و منتقدین کرملین می‌دانستند. (کاربران



اینترنت به یک میلیارد نفر رسید، (۱۳۸۷) روسیه در زمره کشورهای بی است که ضریب نفوذ اینترنت در آنها به سرعت در حال افزایش است.

دمکراسی مدیریت شده روسیه بر جامعه مدنی و مناظره‌های عمومی محدودیت‌های جدی اعمال می‌کند. سازمان‌های غیر دولتی بودجه خود را از خارج از کشور تأمین می‌کنند و از سال ۲۰۰۶ قانونی تصویب شد که محدودیت‌های بسیاری جهت ثبت این شرکت‌ها اعمال می‌کند. وجود مافیای گسترده در روسیه از مشکلات و معضلات جدی این کشور به حساب می‌آید. در زمان یلتسین، فساد اداری صرفاً در میان طبقه حاکم بود و مردم عادی از فساد به دور بودند، اما در دوره پوتین فساد همه‌گیر شد و تمامی طبقات جامعه را شامل گردید. قدرت الیگارش‌ها در زمان یلتسین بسیار زیاد بود و آنان نقش زیادی در سیاست بازی می‌کردند و همین امر فساد بسیاری را در تمامی بخش‌های جامعه ایجاد کرده بود. زمانی که پوتین به قدرت رسید، فعالیت الیگارش‌ها در سیاست و مطبوعات محدود و حوزه فعالیت آنها صرفاً در محدوده مسایل اقتصادی تعریف شد. (زمینه‌ها و ابعاد داخلی سیاست خارجی روسیه، ۱۳۸۷)

از طرفی نمی‌توان نقش رسانه‌ها و نهادهای جامعه مدنی را در شکل دهی به سیاست یک کشور چه سیاست داخلی و چه خارجی نادیده گرفت. زمانی که در کشوری رسانه‌ها کاملاً در اختیار دولت باشند به معنای این است که دولت صدای مخالفین را خفه کرده است و رسانه‌های منتقد وجود ندارند و در نتیجه تاثیر رسانه در سیاست خارجی آن کشور تنها حمایت از سیاست‌های دولت است. در روسیه امروزی هم وضع اینگونه است و رسانه‌ها که تاثیر غیر قابل انکاری در افکار عمومی دارند، حامی سیاست‌های کرملین هستند. در واقع رسانه‌ها در خدمت دولت هستند و انتقاد چندان وجود ندارد.

ج) رشد بوروکراسی و دخالت‌های دولت: بوروکراسی که میراثی از دوران شوروی است به معضلی جدی در روسیه تبدیل شده است. سیستم بوروکراتیک در روسیه پیچیده و گسترده است و در این شرایط انتقال دقیق دستورات به دیگر بخش‌ها به سختی و کندی انجام می‌گیرد. تولید قدرت در هر کشوری بستگی به توان نهادهای دولتی دارد. پس از سقوط شوروی، نهادهای دولتی در روسیه کار ویژه خود را از دست دادند و به همین دلیل از کارایی مطلوبی در تولید قدرت برخوردار نیستند. از طرفی باید اشاره کرد که به‌رغم شعارهای پوتین مبنی بر تقویت نهادهای دولتی و تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته

است، مشکلات و معضلات بسیاری در این گونه از نهادهای دولتی هم‌چنان وجود دارد. منتقدان می‌گویند برخی از اصلاحات اداری که موعد آنها به سر رسید در زمان پوتین انجام نشدند و باعث شد تا کیفیت حکومت هم تنزل بیشتری داشته باشد. همانطور که یکی از منتقدین کرملین می‌گوید روسیه به عنوان یکی از بوروکراتیک‌ترین کشورها در جهان است. (Russia under Putin: The Making of a Neo-KGB State, 2007)

اطاعات رسمی حاکی از آن است که دیوان سالاری دولتی دائماً رشد کرده است. از سال ۲۰۰۱ به بعد این دیوان سالاری تا ۴۰ درصد افزایش یافت و در حال حاضر در مجموع ۱/۵۷ میلیون کارمند حکومت محلی و فدرال در روسیه وجود دارند که با تعداد زمان شوروی برابری می‌کنند. (Nikolaus von Twickel, 2007) بنابراین میزان جمعیت بوروکرات روسیه از سال ۱۹۹۱ به بعد دو برابر شده است زیرا میزان جمعیت روسیه امروزی کمتر از نیمی از جمعیت اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ است. البته برخی از کارشناسان مستقل تعداد بوروکرات‌های روسی را حدود ۳/۵ میلیون نفر یعنی بیش از ۲ برابر آنچه مقامات رسمی اعلام می‌کنند، برآورد کرده‌اند. حقوق ادارات دولتی به طور چشمگیری از میانگین دستمزدهای سراسری بالاتر است و پرستیژ ادارات دولتی هم در حال افزایش است. با این وجود کیفیت خدمات پایین است. سوء استفاده، رکود و غفلت و سهل‌انگاری مشخصات بوروکراسی روسی هستند. دخالت دولت در بخش خصوصی باعث ناراحتی سرمایه‌گذارها می‌شود و این حاکی از فساد در بخش اداری روسیه است. (Ibid) رشد بوروکراسی تاثیر فراوانی در حمایت مردم از دولت و سیاست‌های آن دارد زیرا بخش اعظمی از مردم روسیه تحت پوشش دولت قرار می‌گیرند؛ در نتیجه اغلب مردم حامی دولت و سیاست‌های آن هستند و منتقدان وضعیت بسیار سختی جهت انتقاد کردن دارند.

به دلیل بوروکراسی سیاسی و طولانی روسیه و وجود تعدد مراکز تصمیم‌گیری در سطح دستگاه ریاست جمهوری، شورای امنیت، وزارت امور خارجه، دستگاه اطلاعاتی و نظامی عملاً تصمیم‌سازی در سیاست با موانعی روبرو است. اگرچه در برخی اوقات این موضوع با هدایت آگاهانه صورت می‌پذیرد، لیکن در یک جمع‌گیری شرایط، عملاً روسیه فاقد کشف راه حل و اثربخشی در حداقل زمان می‌باشد لذا سرعت استراتژیک روسیه در موضوعات مختلف کند ارزیابی می‌شود و گاهی این تعلل به گونه‌ای است که در لحظات پایانی، روسیه اداره استراتژیک خود را به تطبیق‌پذیری با شرایط عوض می‌کند. (صناعی، ۱۳۸۹)

### ۳. متغیر نظام بین الملل

اساساً فهم ساختار نظام بین الملل به واسطه وجود متغیرهای گوناگون اعم از بازیگران دولتی و غیردولتی و نیز تداخل کارکردهای آنان با دشواری‌های معرفتی و بنیادین همراه است. واضح است که شکل نظام بین المللی به ویژه ساختار آن که دو قطبی یا چند قطبی باشد بر سیاست خارجی کشورها مؤثر است. دلیل و زمینه اصلی بسیاری از سیاست‌های کشورها در ساختار نظام بین الملل نهفته است. حتی سیاست داخلی کشورها نیز از این امر مستثنی نیست و بین ساختار نظام بین الملل و سیاست داخلی کشورها هم ارتباط وجود دارد. نکته مهم این است که نه تنها هیچ کشوری نمی‌تواند خود را از ساختار نظام بین الملل جدا کند بلکه در اتخاذ سیاست‌های خود باید محدودیت‌ها و فرصت‌های موجود در آن را در نظر بگیرد و جایگاه خود در این ساختار را نیز تعیین کند و آن را مورد توجه قرار دهد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نه تنها در حوزه سیاست بین الملل بلکه در حوزه اندیشه نیز ایده‌های جدیدی مطرح شد. در حوزه سیاست بین الملل ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت باقی مانده از دوران دو قطبی مطرح شد و در عمل بر اساس تقسیم بندی‌های به جای مانده از دوران دو قطبی و در هم شکستن یک قطب از این دو قطب تنها یک ابرقدرت باقی ماند که همچنان داعیه ابر قدرتی داشت و تلاش کرد تا جهان را به سمت آمریکایی شدن و تک قطبی شدن سوق دهد. (فراهانی، احمد، ۱۳۸۱) کشور روسیه نیز همانند اغلب کشورها از مناسبات جهان تک قطبی تاثیر پذیرفت به نحوی که آمریکا را در حیات خلوت خویش پذیرفته است و اجازه ایجاد پایگاه‌های نظامی در کشورهایی مثل آذربایجان را به آمریکا داده است و مخالفت جدی‌ای با این مساله نکرد. پس از فروپاشی شوروی، آمریکا به کشورهای جدید اوراسیایی چشم دوخت و حضور خود در فضای اوراسیایی را به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از تغییر تعادل نیروها در مناطق مجاور با اوراسیا تلقی می‌کند. در واقع روسیه به عنوان هم شریک بالقوه و هم رقیب بالقوه برای آمریکا تلقی می‌شود. (سنایی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲) تغییر ساختار از تک قطبی به سمت چند قطبی و در نهایت به تعبیر ریچارد هاس به سمت بی قطبی (هاس، ۱۳۸۸) نیز بر تصمیم‌سازی سیاست خارجی فدراسیون روسیه موثر بود. هاس می‌گوید در مقابل نظام چند قطبی که شامل چند قطب مجزا است، یک نظام بین المللی بی قطب وجود دارد که به وسیله مراکز متعدد قدرت مشخص می‌شود لذا هیچ قدرت مسلطی وجود ندارد و فقط می‌تواند

مجموعه‌ای باشد که در آن تعدادی قدرت مهم مقررات بازی را تنظیم و رفتار کسانی را که این مقررات را نقض می‌کنند تحت نظم در آورند. آنها همچنین می‌توانند همکاری بیشتری با هم داشته باشند و یک نظام موازنه قوا بوجود آورند، همان طور می‌توانند با هم نزاع داشته باشند. برای مثال در سال ۲۰۰۸ آمریکا ۹/۳ میلیارد دلار کالا به روسیه صادر کرد که این مقدار نسبت به سال ۲۰۰۷، ۲۵ درصد افزایش داشت، اما میزان واردات آمریکا از روسیه ۲۶/۷ میلیارد دلار بود که نسبت به سال قبل ۳۸ درصد افزایش داشت. روسیه بیست و هشتمین بازار بزرگ صادرات برای کالاهای آمریکایی است. (Background Note: Russia, 2009) حالی که در عصر دو قطبی غیر از دشمنی چیز دیگری بین این دو کشور وجود نداشت. فروپاشی نظام دو قطبی باعث شد تا در جهت گیری سیاست خارجی روسیه تغییراتی ایجاد شود همانطور که تغییر ساختار نظام بین الملل از تک قطبی به چند قطبی و احتمالاً بی قطبی باعث می‌شود که قدرتهای بزرگی مثل روسیه نقش فعال‌تری در عرصه تصمیم سازی سیاست بین الملل ایفا نمایند. بنابراین نمی‌توان تاثیر ساختار نظام بین الملل بر جهت گیری سیاست خارجی کشورها و تصمیم سازی در این عرصه را نادیده گرفت. جایگاه منطقه‌ای و جهانی روسیه و نوع نگاهی که دیگر قدرتها به‌ویژه آمریکا به روسیه دارند در تدوین سیاست خارجی روسیه اهمیت زیادی دارد.

### نتیجه گیری

جیمز روزنا یکی از مهمترین کارشناسان در تبیین سیاست خارجی یک کشور و همچنین تصمیم سازی در عرصه سیاست خارجی است. یکی از ایده‌های روزنا مدل پیش‌تئوری است که معتقد است قبل از اتخاذ یک تصمیم و یک جهت گیری مشخص در عرصه سیاست گذاری خارجی، عوامل متعددی دخیل هستند که در نوع جهت گیری آن کشور تاثیر دارند. این عوامل در چهار سطح (ارضی، منزلتی، انسانی و غیر انسانی) قرار دارند که در درون این سطوح متغیرهای مهمی قرار دارند که پنج متغیر اصلی تاثیر گذار در تصمیم سازی سیاست خارجی عبارتند از: شخصیت، نقش، اجتماع، متغیر بوروکراتیک و نظام بین‌الملل.

یکی از کشورهایی که می‌توان سیاست خارجی آن را بر اساس مدل پیش‌تئوری روزنا تحلیل کرد، کشور روسیه است. در این کشور همه عوامل مدل پیش‌تئوری روزنا به

نحو بارزی دیده می‌شوند. تاریخ سیاستگذاری خارجی روسیه به ویژه پس از فروپاشی شوروی نیز این مساله را ثابت می‌کند.

بر خلاف تهدیدهای خارجی اولیه مثل امپریالیسم یا صهیونیسم، دشمن اخیر روسیه یک دشمن داخلی است. مسایل داخلی هستند که تاثیر بسیاری بر سیاست خارجی روسیه امروزی دارند و توان مانور و قدرت این کشور را در عرصه سیاست بین الملل کاهش داده است. دولت روسیه به شدت به وسیله مشکلات منفی جمعیت شناختی شامل ایدز، اعتیاد به الکل، سل و در نتیجه کاهش متوسط عمر روبرو است. بحران هویت مانع از شکل گیری نوعی شناخت درست توسط روسیه از دنیای پیرامون آن و البته از همسایگان غربی اش گردیده است. اقتصاد ضعیف و بیمار باعث می شود که روسیه در مقابل غرب و آمریکا ضعیف باشد و نتواند ماهیت واقعی خود را نشان دهد. سیستم حکومتی و نقش دولت در این کشور به گونه‌ای است که از به وجود آمدن تغییر و تحول اساسی در کشور جلوگیری کرده و باعث می شود که شاهد یک نوع نگرش و سیاست خاصی در طول زمان باشد. وجود اقوام مختلف با ادیان متفاوت هم چالش مهمی برای این کشور محسوب می‌شود. حسرت نسبت به گذشته و امپراتوری از دست رفته، داشتن رویکرد ایدئولوژیک و بیگانه ستیز هم تاثیر فراوانی در نوع نگاه آن به جهان دارد. ویژگی‌های شخصییتی حاکمین روسیه که در زمره عامل انسانی مدل پیش تئوری روزنا است تاثیر بسیاری بر نوع جهت گیری و تصمیم سازی خارجی این کشور دارد. در هر چهار سطح ذکر شده در تئوری روزنا، روسیه دارای مشکلات و موانعی است که هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین المللی برای این کشور مشکل ساز هستند و تصمیم سازی را به ویژه در حوزه خارجی تحت تاثیر قرار داده‌اند. برای تعیین اولویت این متغیرها می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد که شامل متغیرهای داخلی و خارجی می‌شود. متغیرهای داخلی مثل شخصیت تصمیم گیرنده، نقش و میزان اختیارات تصمیم گیرنده و همچنین مسایل مختلف مطرح شده در متغیر اجتماعی و بوروکراتیک هستند و متغیر خارجی متغیر نظام بین الملل است که ساختار آن بر سیاست خارجی کشورها تاثیر فراوانی دارد. تاثیر متغیرهای داخلی بر سیاست خارجی امروزی روسیه بسیار بیشتر از متغیر خارجی و نظام بین الملل است؛ اگر چه نباید فشار نظام بین الملل در زمینه‌هایی مثل حقوق بشر، دموکراسی و آزادی نهادهای مدنی به روسیه را نیز نادیده و کم

اهمیت در نظر گرفت. روسیه امروز در عین حال با چالش‌های جدی مواجه است و همین امر بازیگری روسیه را در سطح بین‌الملل محدود ساخته است.

به طور کلی آن چه مشخص می‌باشد، این است که در شرایط فعلی، روسیه هنوز با چالش‌های جدی به ویژه در حوزه داخلی برای ایفای نقش موثر در صحنه جهانی مواجه می‌باشد و نمی‌توان میزان تاثیرگذاری عوامل مطرح شده در مدل پیش‌تئوری روزنا را در اتخاذ تصمیمات سیاست خارجی این کشور نادیده گرفت. در واقع با مطرح کردن این مدل روزنا می‌توان عوامل تاثیر گذار بر سیاست خارجی روسیه را به شکل ملموس تر و بارزتری دسته بندی کرد و میزان اهمیت هر یک از این عوامل را تعیین نمود. البته اگر شرح تفصیلی روزنا بر مدل پیش‌تئوری در نظر گرفته شود میزان و تعداد این عوامل تاثیر گذار بر سیاست خارجی بسیار بیشتر خواهد شد.



## منابع و مأخذ

۱. آ.ک. زادوخین (۱۳۸۴)، "سیاست خارجی روسیه: خودآگاهی و منافع ملی"، ترجمه مهدی سنایی، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
۲. امینی آرمین (۱۳۸۸)، "جهان دو تکه: تقابل هویت‌ها"،  
<http://www.shahrvandemrouz.com/content/1430/default.aspx>
۳. باربر جیمز و اسمیت مایکل (۱۳۷۴)، "ماهیت سیاستگذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها"، ترجمه حسین سیف زاده، نشر قومس.
۴. "تصمیم سازی در سیاست خارجی روسیه"،  
<http://www.ashti.nu/april08/08-04-10p.pdf>
۵. زارعی سعد الله (۱۳۸۸)، "پیامدهای دو سیاست خارجی"، به نقل از روزنامه کیهان،  
[http://www.aftab.ir/articles/politics/diplomacy/c1c1241330725\\_diplomacy\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/politics/diplomacy/c1c1241330725_diplomacy_p1.php)
۶. "زمینه‌ها و ابعاد داخلی سیاست خارجی روسیه (۱۳۸۷)"،  
<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=01&depId=44&semId=245>
۷. "سیاست خارجی روسیه در زمان مدودف (۱۳۸۷)"، به نقل از ایراس،  
[http://www.aftab.ir/articles/politics/diplomacy/c1c1212309565\\_russia\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/politics/diplomacy/c1c1212309565_russia_p1.php)
۸. سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۵)، "مبانی و مدل‌های تصمیم گیری در سیاست خارجی"، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۹. صناعی، فاطمه (۱۳۸۹)، "تئوری‌های استراتژیک روسیه معاصر"  
<http://strategicreview.org/?p=12711>
۱۰. فراهانی، احمد (۱۳۸۱)، "ارزیابی تاثیر نظام بین الملل بر خاورمیانه"، سایت باشگاه اندیشه،  
<http://www.bashgah.net/pages-164.html>
۱۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، "روابط بین الملل: نظریه‌ها و رویکردها"، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. عمادی، سید رضی (۱۳۸۷)، "بررسی وضعیت مسلمانان در فدراسیون روسیه"، ر.ک. به:  
<http://www.bashgah.net/pages-21921.html>
۱۳. "کاربران اینترنت به یک میلیارد نفر رسید (۱۳۸۷)"،  
[http://iranictnews.ir/related/93097/R\\_92101](http://iranictnews.ir/related/93097/R_92101)
۱۴. کولایی، الهه و دیگران (۱۳۸۱)، "بررسی زمینه‌های نظری و تاریخی همگرایی و واگرایی در فدراسیون روسیه"، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۵. کوهن، آریل (۱۳۸۷)، "آمریکا و سیاست‌های ضد آمریکایی مسکو"، ترجمه سید رضی عمادی،

<http://www.bashgah.net/pages-16876.html>

۱۶. محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و اهداف"، تهران، نشر دادگستر.

۱۷. "موقعیت کنونی روسیه"، مرکز توسعه تجارت کیش به نقل از پایگاه اطلاع رسانی فرهنگی ایران و روسیه،

[http://www.kishtpc.com/global\\_russia\\_persian1.htm](http://www.kishtpc.com/global_russia_persian1.htm)

۱۸. نوری، علیرضا، (۱۳۸۷)، "تقویت جایگاه روسیه در عرصه جهانی و تنش با آمریکا"، <http://www.bashgah.net/pages-28376.html>

۱۹. هاس ریچارد (۱۳۸۷)، "عصر بی قطبی"، ترجمه سید رضی عمادی، سایت باشگاه اندیشه <http://www.bashgah.net/pages-18741.html>

20. Alexander Motyl (2006), "Ukraine and Russia: Divergent Political Paths", open Democracy, at [http://opendemocracy.net/democracy-ukraine/russia\\_ukraine\\_3830.jsp](http://opendemocracy.net/democracy-ukraine/russia_ukraine_3830.jsp).

A Aslund and M. Olcott (1991), "Russia after Communism", Washington D.C : Carnegie Endowment for International Peace".

21. American Chamber of Commerce in Russia (2007), "The Economy and Investment Climate in Russia", at:

[www.amcham.ru/publications/investment\\_reports/ir2006](http://www.amcham.ru/publications/investment_reports/ir2006)

22. Dmitri Trinin (2007), "Russia Redefines Its Relations with the West", The Washington Quarterly, Vol.30.No.2

23. Georgy. Guroff, (1994), "The Paradox of Russian National Identity, in, National Identity and Ethnicity in Russia", ed. by Roman Szporluk, London: M.E. Sharpe

24. "Instructor's Review Notes on Roseau, Idealism and Realism", (2009) <http://www.clas.ufi.edu/users/rnolan/reviewlinks.htm>

25. Irina Busygina (2008), "Domestic Factors Impact on Russia's Foreign Policy: The Case of Federation Relations", <http://www.giga-hamburg.de/dl/download.php?d=/english/content/rpn/conferences/busygina.pdf>

26. Laza Kekic (2007), "The World in 2007: Democracy Index, Economist Intelligence Unit", at:

[www.economist.com/media/pdf/DEMOCRACY\\_INDEX\\_2007\\_v3.pdf](http://www.economist.com/media/pdf/DEMOCRACY_INDEX_2007_v3.pdf)

27. Mark N. Katz, (2006), "Is Russia Strong or Weak, Space War", at, [www.spacewar.com/reports/Is\\_Russia\\_Strong\\_or\\_Weak\\_999.html](http://www.spacewar.com/reports/Is_Russia_Strong_or_Weak_999.html).

28. Mark H. Teeter, (2007), "The Matter with History", The Moscow Times, at [www.themoscowtimes.com/stories/2007/07/16/007.html](http://www.themoscowtimes.com/stories/2007/07/16/007.html)



29. Nikolaus von Twickel, (2007), " **Red Tape Reaching Its Soviet Heights**", The Moscow Times, at [www.themoscowtimes.com/stories/2007/08/07/001.html](http://www.themoscowtimes.com/stories/2007/08/07/001.html)
30. Nick Paton Walsh, (2005), " **Meet the Chief Exec of Kremlin Inc...**", The Guardian, at [www.guardian.co.uk/russia/article/0,2763,1522191,00.html](http://www.guardian.co.uk/russia/article/0,2763,1522191,00.html)
31. Reuters, (2007), " **Russian Youth: Stalin Good, Migrants Must Go: Poll**", at:  
[www.reuters.com/article/worldNews/idUSL2559010520070725?feedType=RSS&rpc=22&sp=true](http://www.reuters.com/article/worldNews/idUSL2559010520070725?feedType=RSS&rpc=22&sp=true)
32. " **Russian Economic Report: Estimates of the World Bank** ",(2009), [http://russianamericanbusiness.org/web\\_CURRENT/articles/441/1/Russian-economic-report](http://russianamericanbusiness.org/web_CURRENT/articles/441/1/Russian-economic-report)
33. " **Russian Government Recap**",(2006), <http://www.usrbc.org/members-only/Russian-Government-and-Regions/20040316-Russian-Government-Recap.pdf>
34. " **Russian president: Economy Sank more than Forecast**",(2009), <http://www.google.com/hostednews/ap/article/ALeqM5h989kc9qpLKB1IViQ5dIpiCzey7QD9B8S3VG0>
35. " **Russia's Economy under Vladimir Putin: Achievements and Failures**", (2008), <http://en.rian.ru/analysis/20080301/100381963.html>
36. " **Russia Under Putin: The Making of a Neo-KGB State** ",(2007), The Economist, at [www.economist.com/world/displaystory.cfm?story\\_id=9682621](http://www.economist.com/world/displaystory.cfm?story_id=9682621)
37. Sabine F. Ischer,(2007), " **Russia: A Difficult Partner for the EU**", EU Institute for Security Studies, Paris, <http://www.iss-eu.org/activ/content/rep07-04.pdf>
38. " **The Foreign Policy Concept of the Russian Federation**", (2000), <http://www.fas.org/nuke/guide/russia/doctrine/econcept.htm>



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی